چهارشنبه ۱۱ تیر ۱۴۰۴
شماره ۴۴۵۰
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

فرمول مورد توجه قرارگرفتن تحلیل لاریجانی در مورد دفاع ۱۲ روزه چه بود؟ چرا در عرصه روایت کلان این حماسه نیازمند ایده‌های واقع‌گرایانه هستیم؟

رسانه آتش بس ندارد

ترامپ یک شب پیش از توقف درگیری ۱۲ روزه ایران و اسرائیل، مارش پیروزی‌اش را نواخت تا هم پایان جنگ را به نام خودش ثبت کند هم طرف پیروز ماجرا باشد. البته او اگر نیم‌نگاهی به رسانه‌های آمریکایی، تحلیل‌هایشان و تصویری که از خرابه‌های تل‌آویو منتشر می‌کردند، می‌انداخت؛ طرف پیروز و شکست‌خورده جنگ مشخص بودند. اما به هر صورت نمی‌توان اثر رسانه‌ای دروغ‌پردازی‌های رئیس‌جمهور آمریکا و نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی از پیروزنمایی‌شان از جنگ را دست‌کم گرفت. در این بین روایتی که مقامات ایرانی در مورد این نبرد ۱۲ روزه بیان می‌کنند، زاویه روایت و آنچه به عنوان دستاوردهای ایران در این دوهفته مطرح می‌شود، علاوه برآنکه افکار عمومی را در مقابل هجمه رسانه‌های فارسی زبان صهیونیستی بیمه می‌کند، بازتاب آن در رسانه‌های بین‌المللی هم به مثابه ضدحمله‌ای برای پیروزنمایی رئیس‌جمهور آمریکا و نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، عمل می‌کند. روایتی که علی لاریجانی روز یکشنبه از این درگیری ارائه داد، روایتی غالب در مواجهه با ادعاهای مقامات آمریکایی و با استناد به همین رسانه‌هاست. نکته مهم‌تر آنکه او بدون بیرون‌زدگی، شعارزدگی، رجزخوانی پوچ و برمبنای اخبار و اطلاعات، شکست و پیروزی‌های ایران را روایت می‌کند و جنگ روانی دشمن را برملا می‌کند. خروجی این گفت‌وگوی یک ساعت و ۱۷ دقیقه‌ای مخاطب را به این نتیجه می‌رساند که به‌رغم وجود شکست‌ها اما در این درگیری، دست برتر با ایران است، آن هم برمبنای اطلاعات دقیق، مشاهدات و مستندات موجود.

روایت‌ها، طرف پیروز را مشخص می‌کند

ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش، مرد توییت‌های نامنظم در مورد تصمیمات مهم کاخ سفید بود. تقریباً تمام اخبار و اطلاعات کاخ سفید که شاید رده‌بندی‌هایی داشت، زودتر از اعلام رسمی در توییتر ترامپ منتشر می‌شد. او البته این ویژگی‌اش را همچنان حفظ کرده است. واکنش‌ها و اظهاراتی که ترامپ بدون در نظر گرفتن عواقب دیپلماتیک و بین‌المللی در مورد ایران و درگیری‌اش با اسرائیل مطرح می‌کرد، به خاطر همین سبک خاص او در سیاستمداری است. البته بخشی از آن هم به شغل چندین ساله خانوادگی‌اش یعنی بنگاه‌داری، برمی‌گردد. با این حال این را نمی‌توان انکار کرد که ترامپ مهارت بالایی در به راه انداختن جریان رسانه‌ای و همراه کردن رسانه‌ها با روایتی دارد که خودش ارائه می‌دهد. اتفاقی که در جریان جنگ ۱۲ روزه هم رخ داد. علی‌رغم آنکه آمریکا یکی از حامیان اصلی جنگ بود، اما خودش را به عنوان طرف پیروز و مدافع صلح معرفی کرد اما یک سمت مهم و کلیدی جنگ ایران است. کشوری که مورد تهاجم قرار گرفته و البته مجامع بین‌المللی در مورد آن سکوت کردند. مواجهه و پاسخ به ادعاها و زیاده‌گویی‌های ترامپ در مورد جنگ، خود بخش مهمی از جنگ و تعیین طرف پیروز است. حالا با توقف درگیری ۱۲ روزه، روایت‌ها و خوانش‌های این جنگ است که می‌تواند طرف پیروز را برای افکار عمومی مشخص کند. در این رابطه مقامات و مسئولان ایرانی، ابتدا باید ضرورت و لزوم ارائه و روایت دقیق از جنگ، تبیین واقعیت‌ها و تعریف نقاط ضعف و قوت را درک کنند. امنیتی‌سازی همه اتفاقات جنگ و قراردادن رسانه در اولویت دست‌چندم، میدان روایت را به حیاط خلوتی برای رسانه‌های فارسی زبان صهیونیستی تبدیل می‌کند و آن‌ها هم با تحریف ماجرا، طرف پیروز را مشخص می‌کنند.

کار تبلیغی را خوب انجام دهید

خطای دیگری که در ارائه روایت‌های رسانه‌ای در موضوعات مختلف از جمله جنگ ارائه می‌شود، بزرگنمایی بیش از اندازه‌ای است که تنه به تنه یک روایت غیرواقعی می‌زند. رجزخوانی‌های غیرواقعی خطاب به دشمن، نمی‌تواند افکار عمومی را قانع کند. درواقع کارکردی برای جامعه ایرانی ندارد. اگرچه اصل تهدید و رجزخوانی بر مبنای تهدید و ترساندن دشمن و تضعیف روحیه او انجام می‌شود، اما این موضوع ظرافت‌ها و اصولی دارد که اگر رعایت نشود، نه تنها مخاطب آن را نمی‌پذیرد، بلکه به ضد خود نیز تبدیل می‌شود. جدای از آنکه رجزخوانی برای «دشمن» کارکرد بیشتری دارد تا مردم، اما باید رنگی از واقعیت هم داشته باشد و با در نظر گرفتن توانمندی خود و نقاط ضعف دشمن مطرح شود. اگر این اصول رعایت نشود مخاطب حتی تهدیدهای قابل اجرا را نیز نمی‌پذیرد و باور نمی‌کند. نمایش واقعی رجزخوانی و قدعلم کردن در مقابل دشمن را موشک‌های بالستیکی به نمایش گذاشتند که در آسمان تل‌آویو پرواز کردند. روایت این نمایش شجاعانه و تهدید دشمن هم دستاوردهای جنگ را در ذهن مردم ثبت می‌کند و هم این باور را برای مردم ایجاد می‌کند که تهدیدهای ایران برای دشمن پوچ و توخالی و بدون در نظر گرفتن توانمندی‌ها نیست، بلکه تجاوز دشمن با پاسخ محکم و هوشمندانه مواجه خواهد شد.

همچنان از ضعف روایت رنج می‌بریم

خطای دیگری که در این جنگ ۱۲ روزه رخ داده که محل توجه نیز است، آن که با وجود جنایت‌ها و حملاتی که به مناطق غیرنظامی شد و درنتیجه آن ۹۳۵ نفر ازجمله ۳۸ کودک و ۱۰۸ زن شهید شدند، رسانه‌ها و مسئولان ایرانی نتوانستند روایت و برساختی از این جنایت انجام دهند که بتواند افکار عمومی را با خود همراه کند. اگرچه در ادامه جنایت‌های صهیونیست‌ها در یک سال گذشته و کشتار کودکان غزه، بخشی از مردم جوامع غربی علیه این تجاوز، تجمعاتی برگزار کردند اما تجاوز به ایران موضوعی بوده و است که می‌تواند دردسرهای بزرگ‌تری برای صهیونیست‌ها در سطح بین‌المللی ایجاد کند. اگرچه صهیونیست‌ها با توجیه مقابله با نیروهای حماس دست به کشتار در نوار غزه زدند، اما تجاوز به آسمان ایران و کشتار غیرنظامیان، نقض قوانین بین‌المللی و تعرض به آسمان یک «کشور» رسمی آن هم به بهانه‌های غیرواقعی اتفاق افتاد. در این میان روایت مظلومیت غیرنظامیانی که در این تجاوز کشته شدند و ایجاد موج‌رسانه‌ای برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی جهانی می‌تواند همان بلایی را سر اسرائیل بیاورد که در یک سال و نیم گذشته با آن دست به گریبان بود. این تجاوز تیر خلاصی به چهره بزک شده اسرائیلی‌ها از صلح و دموکراسی بود، اما نوع بازنمایی این جنایت می‌توانست این تصویر را برای افکار عمومی جهانی، دقیق‌تر و روشن‌تر به نمایش بگذارد. تجربه این جنگ ۱۲ روزه و اتفاقات پس از آن نشان داد هنوز در ارائه روایت طرف مظلوم در جنگ خلأهای جدی وجود دارد. این ضعف روایت فرصتی در اختیار صهیونیست‌ها قرار می‌دهد تا با تکرار اینکه همه آن‌هایی که در این تجاوز کشته شدند نظامی بودند، افکار عمومی را فریب دهند و خودشان را به عنوان طرف مظلوم و تحت فشار و تهدید قرارگرفته جا بزنند.

روایت لاریجانی همه بایدها را یک‌جا داشت

آنچه در این روزها به آن نیاز داریم، ارائه یک روایت دقیق، امید بخش و نزدیک به مرز واقعیت است تا علاوه بر اینکه مخاطب آن را می‌پذیرد، تصویر دقیقی از پیروزی در جنگ و شکست‌ها ارائه دهد و بتواند پاسخی درخور به جنگ روانی و رسانه‌ای دشمن بدهد. مصداق عینی این جنس روایت در آنچه علی لاریجانی یکشنبه شب از این درگیری ۱۲ روزه ارائه کرد، دیده می‌شود. البته لاریجانی پیش از این و در مواجهه با تهدیدهای آمریکا و زیاده‌گویی‌های صهیونیست‌ها، از ابزار رسانه و قدرت کلامش برای خنثی کردن این تهدیدها استفاده کرده است. اگرچه نقطه‌زنی در کلام، ویژگی خاصی است که لاریجانی در آن مهارت ویژه‌ای دارد، اما او در روایت ۱۲ روزه از جنگ، علاوه بر دقت بر انتخاب واژه‌ها، سیر روایی از جنگ با استفاده از فکت‌های رسانه‌های غربی ارائه داد که در انتها مخاطب به این نتیجه می‌رسد که ایران به‌رغم همه دشواری‌ها توانست دست برتر را در این جنگ حفظ کند. اشاره او به اینکه آنچه اتفاق افتاده رویدادی نیست که بتوان با تحلیلی ساده بیانش کرد، از دل پیچیدگی‌های اتفاق، یک روایت تمیز و دقیق به مخاطب ارائه می‌دهد که با وجود قابل فهم بودن آن برای مردم، خبری از ساده‌سازی روایت و رویدادهای جنگ نیست.

روایتی روی لبه واقعیت

لاریجانی در روایتش تنها یک دوگانه مطرح می‌کند؛ ایران و دشمن صهیونیستی که البته آمریکا هم حامی جدی آن بوده و است. روایت او تا انتها حول همین دوگانه پیش می‌رود. لاریجانی در بخشی از این گفت‌وگو به این ادعای نتانیاهو اشاره می‌کند که می‌خواهد همان‌طور که کوروش یهودیان را نجات داد، مردم ایران را نجات دهد، حماقت او را مورد تمسخر قرار می‌دهد و این مقایسه مع‌الفارق را زیر سؤال می‌برد. او در ادامه تناقض‌گویی صهیونیست‌ها، تغییر نظام سیاسی ایران را هم مورد اشاره قرار می‌دهد و تأکید می‌کند ادعای آنکه ما به دنبال تغییر نظام سیاسی نیستیم پس از آن اتفاق افتاد که نتانیاهو فهمید کارزاری که در آن وارد شده، از قواره او بزرگ‌تر است و پیروزی به این سادگی نیست. نکته دیگر آنکه لاریجانی، صراحتاً برهه‌هایی که ایران در آن دست برتر را در اختیار نداشت بیان می‌کند. در بخشی از این گفت‌وگو به این موضوع اشاره می‌کند که تا روز سوم جنگ با وجود پاسخ‌های ایران همچنان ۶۰ به ۴۰ قدرت نظامی به نفع اسرائیل بود. اما در روز چهارم ورق به نفع ایران برمی‌گردد. در روایت لاریجانی خبری از رجزخوانی یا بزرگ‌نمایی روایت در مورد دستاوردهای جنگ نیست. او هم شکست‌ها، هم پیروزی‌ها، هم ضربات وارد شده به کشور و هم ضرباتی که به دشمن وارد شده را در قلب یک روایت زمان‌دار و دقیق بیان می‌کند. در این روایت آنچه اهمیت دارد، موجودیت و قدرت ایران در مبارزه با دشمن و تشریح خدعه‌های دشمن است. لاریجانی در این روایت از خودش قهرمان نمی‌سازد. قهرمان در روایت او تنها ایران است. او حتی در بخشی از این گفت‌وگو در مورد تهدیدهای تلفنی صهیونیست‌ها اشاره‌ای کوتاه به تماس تلفنی صهیونیست‌ها با او می‌کند و از کنار این موضوع عبور می‌کند. لاریجانی تا انتهای این روایت روی لبه واقعیت حرکت می‌کند و پیش می‌رود.

سیاستمداران بحران را حفظ کنید

در موقعیتی که با دونگاه غلط به جنگ مواجهیم که یک طرف با عینک رمانتیک‌ها به جنگ نگاه می‌کند و تصور می‌کند که با آرزوی آنکه «کاش به جای اسلحه‌ساز می‌ساختیم» می‌توان با واقعیت روابط و مناسبات بین‌المللی مواجه شد و در طرف دیگر هم با افرادی مواجهیم که از آن طرف بوم افتاده‌اند و نگاهی آرمان‌گرایانه و غلوآمیز به جنگ و رویدادهای آن دارند و آن‌ها هم بدون در نظر گرفتن واقعیت میدان و تحولات بین‌المللی تحلیل و روایت ارائه می‌کنند، لاریجانی درست وسط این دوگانه غلط می‌ایستد و نگاه و تحلیلی واقع‌گرایانه و بر مبنای آنچه در واقعیت میدان رخ داده ارائه می‌کند. واقعیت ماجرا این است که در عرصه سیاسی به چنین شخصیت‌هایی نیاز داریم، افرادی که علاوه بر آنکه در چهارچوب منافع ملی و به دور از جناح‌بندی‌ها و اختلافات سیاسی با رویدادهای بین‌المللی مواجه می‌شوند، نگاهشان به اجتماع و مردم کلان‌تر از یک تقسیم‌بندی سیاسی است و در عین حال تحلیل درستی با در نظر گرفتن امنیت ملی و ظرافت‌های سیاسی و بین‌الملل ارائه می‌کنند و توانایی سوار کردن روایت و تحلیل خود بر رسانه، ایجاد موج رسانه‌ای و خنثی کردن جنگ رسانه‌ای دشمن را دارند. همان‌طور که در میانه بحران و جنگ، فرمانده ماهر و کاربلد، توانایی این را دارد که ابتکار را در جنگ در اختیار بگیرد و به دشمن ضربه بزند، در عرصه روایت و رسانه به افرادی نیاز داریم که در جنگ روایت‌های دشمن در مقابل طرح دشمن ابتکار عمل به کار ببرند. این افراد به مثابه سرمایه‌هایی برای نظام حکمرانی هستند که حفظ آن‌ها یکی از اصول اساسی است. با این حال در سال‌های اخیر، مواجهه‌های پرسش‌برانگیزی با چهره‌هایی مثل علی لاریجانی شده که قابل نقد است. با این حال باید به این موضوع توجه کرد که ممکن است ما موافق یا مخالف لاریجانی باشیم؛ اما او حداقل در این روزها تصویری از یک سیاست‌مدار متبحر و پخته ارائه داد.

هنر جنگ روایت‌ها

ادامه از صفحه یک

عقل سلیم می‌گوید وقتی دشمن شیطان صفت در انتظار ضربه مجدد به ایران است و روی شکاف‌های اجتماعی ما برای اثرگذاری حساب می‌کند، هر کنشی که شکاف‌ها را فعال کند، مردود و به نفع دشمن است. این گزاره قطعی برای کسانی که تریبون‌های بزرگی مثل تلویزیون را در اختیار دارند، روشن‌تر معنا پیدا می‌کند. با این وجود اقدام و کنش درست و منطقی باید شناسایی شود و گسترش پیدا کند. مثل آن چیزی که در گفت‌وگوی علی لاریجانی ظهور پیدا کرد. روایت صحیح و به نفع منافع ملی چه ویژگی‌هایی دارد؟ سعی می‌کنم در بندهای زیر دسته‌بندی کنم.

زمان‌شناسی: در شرایطی که افکار عمومی زیر بمباران جنگ روانی دشمن هستند، کنش به موقع سیاسی و رسانه‌ای فوق‌العاده مهم است. میوه سیاست اگر به موقع چیده نشود یا کال است یا گندیده. درست مثل شرایط ایران در یک هفته اخیر، موقعیتی که باید روایت‌های صحیح و مؤثر از وقایع دو هفته اخیر گفته می‌شد، عده‌ای تیغ را به سمت و سوی بخشی از نیروهای داخلی بردند. حتی شرح این اشتباه خودش می‌تواند آتش تهیه دعواهای بعدی باشد ولی برای درمان این درد به مقدار کنترل شده‌ای باید به بدن نظام سیاسی و رسانه‌ای ایران از ویروس زمان‌نشناس‌ها تزریق کرد تا واکسینه شویم. سرمایه حیاتی جبهه خودی در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه بدون شک اتحاد ملت دور پرچم ایران با وجود تمام اختلاف سلیقه‌ها بود. به طوری که مهمترین موشک‌های خانه‌خراب‌کن روی سر «وطن‌فروش‌های پهلوی» از سمت بخشی از اپوزیسیون جمهوری اسلامی زده شد. ما فراموش نمی‌کنیم در ادبیات رسمی و پشت بلندگوی رهبر فرزانه انقلاب تصریح شده بود کسانی که حتی نظام را قبول ندارند، به خاطر ایران پای صندوق رأی بیایند. (هم در سال ۹۲ و هم در سال ۹۴) و پس از توقف جنگ ضلع سوم تبریک رهبری اتحاد ملت بود. چه معیار و میزان دیگری برای ما وجود دارد که این کلام صریح و عمل رسمی را لحاظ نکنیم؟

از این جهت فهم اینکه اکنون زمان تسویه حساب با کسانی نیست که در جبهه ایران هستند و باید فقط طرح عملیات روانی نتانیاهوی خبیث را افشا کرد، سخت نیست. اگر ویژگی فراگیری وطن‌دوستی را از جامعه بگیریم، بزرگ‌ترین ظلم را به انقلاب و ایران کردیم. چه آنکه هیچ کس مانند رهبران انقلاب اسلامی پیام‌های جهانی انقلاب را فریاد نزده و هیچ کس مثل همین رهبران، مدافع تمامیت ارضی ایران و حفظ یکپارچگی این تنوع فرهنگی و سیاسی نبوده است. زمان‌شناسی علاوه بر اینکه بر اصل موضع‌گیری و کنش سیاسی تأکید دارد، بر دقت و تمرکز بر پیچیدگی این موضع‌گیری هم اصرار می‌کند.

واقع‌گرایی: در روایت و نقش‌آفرینی در جنگ روایت‌ها باید به فهم مخاطب از واقعیت توجه کرد. مخاطب فقط مصرف‌کننده یک رسانه نیست و از اتمسفر عمومی هم پیام دریافت می‌کند. مشکل بیشتر روایت‌ها پشت کردن به واقعیت است. در گفت‌وگوی اخیر لاریجانی او سعی کرد مخاطب را با ریل واقع‌گرایی به منزل مقصود برساند. برای همین از ذکر شکست‌های خودی و قدرت دشمن خودداری نمی‌کرد. اشاره او به اینکه در چند روز اول دست رژیم بالاتر بود و یا تماس با سیاسیون برای خالی کردن پشت مردم، از این زاویه قابل تأمل است. مهم استفاده درست و هوشمندانه از واقعیت‌هاست. در تار و پود روایت مؤثر، همراه کردن افکار عمومی مهم است. مخاطب هم در متن زندگی واقعی و در برابر تولید دیگران حتماً برداشتی از وضعیت دارد؛ تغییر در برداشت مخاطب بدون توجه به اینکه افکار عمومی چه درکی از پیرامون خود دارد، ممکن نیست. روایت لاریجانی از جنگ ۱۲ روزه یک‌بار دیگر هنر او در کنش سیاسی از موضع قدرت سیاسی را نشان داد. این ویژگی نافی ضعف لاریجانی در جای‌گیری در سیاست داخلی نیست. جای تحلیل و بررسی این ضعف و تفاوت آن با نقطه قوت لاریجانی البته اینجا و در این موقعیت زمانی نیست!

استدلال عمومی: در روایت جنگ و مقابله با طراحی دشمن توجه به اینکه مخاطب عمومی یعنی مجموعه‌ای از طیف‌های سیاسی متفاوت و همچنین بدنه عمومی جامعه که مشتری همیشگی سیاست نیستند، ضروری است. مخاطب عمومی در روایت جنگ تحولات عینی را درک می‌کند، نفی واقعیت‌ها را دوست ندارد و بر محور وطن‌دوستی و ضدیت با دشمن واحد اجماع دارد. در شرح پیروزی و موفقیت‌های بزرگ ملی، حد مقبول روایت داده‌های عینی و پشت صحنه و انتخاب یک خط واحد است. مثل آنچه در نماز جمعه‌های اثرگذار دهه ۶۰ و ۷۰ شاهد بودیم. مثل داستان زمان‌دار لاریجانی از جنگ ۱۲ روزه و اشارات گاه‌گاهی به اخبار پشت پرده به مقدار کافی.

فعال نکردن شکاف‌های داخلی: روایت ملی نمی‌تواند شکاف‌آفرین باشد. نمی‌تواند انرژی بخشی از جامعه برای کنش ملی را بگیرد و انگیزه‌ها برای مقابله با دشمن خارجی را کور کند. روایت ملی باید صدای پیروزی ملت باشد به طوری که گویا اختلاف داخلی نداریم.

تحریک هر انرژی منفی داخلی ضد روایت ملی از جنگ است. وگرنه می‌دانیم در این صف متحد شده هنگام جنگ، متضادترین دیدگاه‌ها کنار هم ایستادند. دشمن روی همین حساب کرده بود. برخی استدلال می‌کنند اسلامیت نظام سیاسی مبنا و مبدأ انرژی مقابله با دشمن است و اگر آن را تضعیف کنیم، از بین می‌رویم. هرچند هیچ نشانه‌ای برای تلاش برای تضعیف اسلامیت نظام دیده نمی‌شود ولی باز برای پاسخ کار سختی نداریم. چه آنکه ابتدا باید ایران واحدی بماند و دست دشمن از ایران کوتاه شود تا بنیان‌های اسلامیت نظام سیاسی و جامعه مستحکم‌تر بماند. همانطور که موشک دشمن هم فرمانده و دانشمند نماز شب‌خوان را شهید کرد و هم کسی که ظاهر اسلامی ندارد. به دشمن پاس ندهیم.

پاتک به جنگ روانی دشمن: یکی از مهمترین کارها در روایت جنگ، پاسخ دندان‌شکن به جنگ روانی طرف مقابل است. این کار فقط از ذهن و فرد سیاستمداری بر می‌آید که توانایی عبارت‌سازی اثرگذار دارند. مثل کارگردانی که فیلم جذابی می‌سازد. مثل فوتبالیستی که با توپ در چمن سبز دلربایی می‌کند. چه کسی انکار می‌کند ترامپ وظیفه جنگ روانی روی جامعه ایران را دارد؟ جواب موشکی که می‌خواهد روان جامعه را به‌هم بریزد، فقط با موشکی از همان جنس شدنی است. این موشک از جنس شعار و حرف‌های گنده نیست. بلکه ترکیبی از مضمون برنده و قالب هنرمندانه می‌خواهد. لاریجانی این کار را بلد است. حتی مخالفان داخلی او هم این را می‌دانند.

سیاست ابهام: در جنگ بخش مهمی از اطلاعات باید مبهم باقی بماند. دیواری هم میان افکار عمومی داخلی و دشمن خارجی نیست. پس نمی‌توان همه مسائل را باز کرد. یکی از مهم‌ترین مصادیق این مسئله برای ما در حال حاضر به داستان حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای برمی‌گردد. ابهام در موفقیت این حمله ضد منافع دشمن است. چراکه دستاویز آن‌ها برای تجاوز به ایران دانش هسته‌ای تهران بود و می‌دانیم هرگونه عدم موفقیت این هدف ظاهری (هدف اصلی تجزیه ایران است) باعث تضعیف ترامپ و نتانیاهو در جبهه خودشان است. سیاست ابهام می‌تواند طرف مقابل را منفعل کند. این یک هنر واقعی است.

بیایید با ما حرف بزنید!

کبری آسوپار
دبیر گروه سیاست

از آن روزهایی که شهید حسین خرازی گفته بود «مطبوعات ما جنگ را درشت می‌نویسند، نه درست» چهار دهه می‌گذرد و به نظر می‌رسد با وجود همه پیشرفت‌ها در عرصه رسانه، هنوز هم رجز و شعار و همان «درشت‌نویسی» بیشترین چیزی است که از جنگ، در رسانه‌ها می‌بینیم. انبوهی از خبرهای فوری ذهن مردم را پر می‌کند و آنچه پس از این می‌توانند از جنگ بگویند، تک‌خبرها و تک‌اتفاقاتی از جنگ است که طبعاً نمی‌تواند نمایی کلی از آنچه روی داد را روایت کند. در این میان تحلیل‌های رسانه‌ای و روایت‌های تفصیلی از آنچه رخ داد، می‌تواند ذهن مردم را از سطح فراتر ببرد و درگیر عمق وقایع کند.

تعدد رسانه‌ها و حجم بالای اخبار راست و دروغ و غیردقیق و نادرست که از سوی مردم دنبال می‌شود فضایی را ساخته که می‌توان گفت همراه با هر موشک، موشک‌هایی هم از مسیر رسانه‌ها و فضای مجازی بر ذهن مردم آوار می‌شود و اثربخشی هر تبیین پس از آن را دشوار می‌کند.

ما از دهه شصت و فضای خبری و رسانه‌ای دفاع مقدس تجربه‌ای نداریم، اما تجربه دو دهه اخیر را دیده‌ایم و حالا می‌توان گفت جمله شهید خرازی در این سال‌ها که ما دیده‌ایم و از جمله در جنگ ۱۲ روزه اخیر میان ایران و رژیم اسرائیل، همه‌اش هم به رسانه برنمی‌گردد و بخشی از مسئولیت آن را باید متوجه مسئولان کرد.

بیایید با مردم حرف بزنید؛ این خواسته همواره اهل رسانه از مسئولان بوده است. خواسته‌ای که در حصار مصلحت‌سنجی‌های نابه‌جا، محافظه‌کاری‌های رسانه‌ای، غفلت نسبت به اهمیت کار رسانه‌ای و لزوم اقناع افکار عمومی، بسیاری اوقات به‌درستی محقق نمی‌شود. مسئولان با مردم حرف نمی‌زنند یا وقتی می‌آیند حرف بزنند، انبوهی از شعارها، آمارها و خبرهای تکراری را می‌گویند که نمی‌تواند نقش پررنگی بر ذهن مخاطب بیندازد و خیلی زود از خاطرها می‌رود.

حرف‌زدن با مردم، خصوصاً وقتی موضوع آن «جنگ نظامی» است، ملاحظات متعددی را می‌طلبد. فضای جنگ فضایی امنیتی است و مسائل امنیتی هم نمی‌تواند پشت تریبون‌های عمومی بیان شود. اما از قضا هنر مسئولان باید این باشد که در عین خارج‌نشدن از چهارچوب ملاحظه‌های امنیتی، آنچه را که مردم نیاز به شنیدن آن دارند، بیان کنند. یا به عبارتی دیگر از ملاحظات امنیتی آن‌چنان تفسیر وسیعی اجرایی نشود که سخن‌گفتن با مردم از خاطر برود.

در روزهای جنگ، خصوصاً دو سه روز اول مردم نمی‌دانستند چه اتفاقی افتاده است. روایتی از آنچه رخ داده بود، نداشتند و فقط وقایع لحظه‌ای را می‌دیدند و می‌شنیدند. حملات که پس از ۱۲ روز متوقف شد، فرصتی پدید آمد که روایت از مسئولان هم شنیده شود، اما نشد. صرفاً علی لاریجانی، مشاور رهبر معظم انقلاب روایت خود را ارائه داد که البته برای مخاطبان هم بسیار جذاب بود.

لاریجانی بلد است هیجانی حرف نزند، حرف‌های نگو را بیان نکند، دعوای سیاسی درست نکند و در کل با ادبیاتی سیاسی و البته خردمندانه به مردم بگوید که چه شده است. روز اول تجاوز رژیم‌صهیونیستی هم لاریجانی در گفت‌وگوی تلفنی با شبکه خبر وقتی برابر پرسشی پیرامون مختصات پاسخ ایران به اسرائیل قرار گرفت، به مجری یادآور شد این موضوعی نیست که من و شما اینجا در موردش حرف بزنیم، اما به مسئولان نظامی کشور اطمینان داشته باشیم و بدانیم پاسخ درخور خواهند داد. این در حالی بود که از آغازین ساعات پس از تجاوز رژیم‌صهیونیستی به کشورمان، ادبیات غالب پیرامون پاسخ احتمالی ایران، محتوایی هیجانی داشت و کبیر و صغیر از اقصی‌نقاط فضای مجازی تا محافل خانوادگی مشغول ارائه نقشه‌های عملیاتی دلخواه خود به نظام بودند و بایدها و نبایدهای نظامی را به نیروهای مسلح یاد می‌دادند، بی‌آنکه حتی یک عکس یادگاری با اسلحه واقعی داشته باشند! او نه مانند برخی مسئولان رجز هیجانی برای اسرائیل خواند و نه همچون آن‌ها در موضوعی که متصدیان امر خودش را دارد، دخالت کرد.

لاریجانی در گفت‌وگوی اخیرش، صرفاً با دو جمله، ماجرای تماس عوامل صهیونیستی با مسئولان کشور و از جمله خودش را بیان کرد، نه رویدادی محرمانه را لو داد، نه ژست قهرمانانه گرفت، نه آن تماس را مهم تلقی کرد، اما مردم را از نقشه صهیونیست‌ها برای ایجاد به‌هم‌ریختگی در میان نظام اداره کشور مطلع کرد. نقشه‌ای که فراتر از ترور و حذف فیزیکی، می‌خواست به خیال خویش با گرفتن چند خائن از میان مقامات عالی‌رتبه کشور، شخصیت نظام و حکومت را در ذهن مردم ترور کند.

ترامپ با مردم حرف می‌زند، به شکلی مداوم کنش رسانه‌ای دارد و تلاش می‌کند نبض افکار عمومی را حتی در ایران در دست بگیرد. او در دوران مذاکرات هم هر روز رویداد خبری جدیدی را برای افکار عمومی ترتیب می‌داد و اذهان عمومی را بمباران خبری می‌کرد. در آن ایام هم سکوت مسئولان دیپلماتیک ایران باعث شد تا ابتکار عمل دست ترامپ و دارودسته‌اش باقی بماند. او حتی برای اطلاع‌رسانی در مورد توقف حملات، روایت اول را از آن خود کرد که البته روایت دروغینی از آنچه او آتش‌بس نامید، بود؛ اما درهرحال آمده بود تا یکه‌تاز فضای رسانه باشد.

حال سخن ما با مسئولان روشن است؛ بیایید با مردم حرف بزنید، روایت خودتان را، نه درشت، بلکه درست به مردم بگویید و برای مردم داستان آنچه را که شد، تا جایی که امکان گفتن دارد، تعریف کنید. روایت بسازید، روایت مقاومت از دفاعی که کردیم و روایت فتح از حملاتمان. این‌گونه می‌شود از تک‌خبرهای فوری متعدد عبور کرد و مردم را به یک روایت از جنگی رساند که جزئیات تودرتو و پیچیده‌ای دارد و مردم فقط موشک‌هایش را دیدند. همان‌طور که پدافندهای ایرانی مقابل پهپادهای صهیونیستی از مردم دفاع کردند و همان‌طور که موشک‌های ما بر صهیونیست‌های فرود آمدند، روایت‌های مسئولان ما باید از مردم برابر حملات رسانه‌ای دشمن دفاع کند و کنش‌های فعال رسانه‌ای مسئولینمان چون موشک بر ذهن آن‌ها فرود بیاید.